

## طراشعر رسماً ثبت شد، طراشعر عینیت یافتگی زبان است

سبک طراشعر به نام امین افضل‌پور، تحت شماره ۱۱۰۱۵ - ۱۴۰۵، در دفتر حقوقی و مالکیت فکری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ثبت رسید.

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، مسئله از جایی آغاز می‌شود که شعر دیگر صرفاً خواندن نیست

در تاریخ شعر، انقلاب‌های بزرگ همیشه با تغییر واژگان اتفاق نیفتاده‌اند؛ گاه آنچه دگرگون شده، نسبت شعر با خودِ زبان، صفحه، نگاه و ادراک بوده است.

در چنین افقی، نام امین افضل‌پور با پروژه‌ای گره می‌خورد که از سال ۲۰۱۹ آن را «طراشعر» (Tarasher) نامیده است؛ پروژه‌ای که در سطح نخست، گونه‌ای از شعر تصویری - گرافیکی به نظر می‌رسد، اما در سطح نظری، پرسشی بنیادی‌تر را پیش می‌کشد:

آیا شعر، پیش از آنکه خوانده شود، می‌تواند دیده شود؟

و اگر پاسخ مثبت باشد، آنگاه پرسش دشوارتر آغاز می‌شود:

آیا آنچه می‌بینیم هنوز «زبان» است، یا زبان در لحظه‌ای که دیده می‌شود، به هستی دیگری تبدیل شده است؟

طراشعر از همین شکاف آغاز می‌شود؛ از فاصله میان حرف و تصویر، خواندن و دیدن، نشانه و شیء، زبان و ادراک.

امین افضل‌پور؛ از شاعر تا نظریه‌پرداز امکان‌های شعر

امین افضل‌پور شاعر، نویسنده و نظریه‌پرداز شعر تصویری - گرافیکی و بنیان‌گذار طراشعر است.

پروژه او صرفاً تولید مجموعه‌ای از آثار بصری نیست؛ بلکه تلاشی است برای بازگشت به یکی از بنیادی‌ترین پرسش‌های ادبیات:

شعر چیست؟

این پرسش در نگاه افضل‌پور صرفاً پرسشی درباره تعریف یک ژانر ادبی نیست؛ پرسشی درباره شرایط امکان شعر است.

اگر شعر را تنها در زنجیره واژگان، نحو، موسیقی و معنا جست‌وجو کنیم، بخش بزرگی از ظرفیت مادی زبان نادیده می‌ماند: شکل حرف، اندازه آن، فاصله میان حروف، سکوت میان کلمات، جایگاه واژه بر صفحه و حتی چیزی که از خواندن امتناع می‌کند.

طراشعر می‌کوشد همین «نادیده‌گرفته‌شده» را به متن بازگرداند.

از این منظر، افضل‌پور تنها شاعر شعرهای طراشعری نیست؛ بلکه در پی آن است که دستور زبان دیگری برای دیدن شعر پیشنهاد کند.

طراشعر؛ نه تصویرسازی شعر، بلکه تصویری‌شدن زبان

ساده‌ترین سوءتفاهم درباره طراشعر این است که آن را صرفاً تلفیقی از شعر و تصویر بدانیم.

اما مسئله طراشعر دقیقاً از جایی آغاز می‌شود که این دوگانه فرو می‌ریزد.

در تصویرسازی، تصویر می‌تواند در کنار شعر قرار گیرد.

در طراشعر، اما پرسش این است:

اگر خودِ حرف تصویر شود چه اتفاقی برای شعر می‌افتد؟

اینجا حرف دیگر فقط حامل آوا و معنا نیست؛ بدن پیدا می‌کند.

حرف دیده می‌شود.

واژه از وضعیت خطی خود خارج می‌شود.

صفحه از یک سطح خنثی به میدان نیرو تبدیل می‌شود.

و شعر از یک زنجیره صرفاً زمانی، به رخدادی فضایی تبدیل می‌گردد.

در اینجا، زبان دیگر فقط چیزی نیست که «می‌گوید»؛ چیزی است که نشان می‌دهد.

بحران تقدم خواندن بر دیدن

فرهنگ نوشتاری ما به‌طور معمول به ما آموخته است که متن را بخوانیم تا آن را بفهمیم.

طراشعر این ترتیب را مختل می‌کند.

مخاطب ممکن است ابتدا ببیند و بعد بخواند.

اما این «بعد» بسیار مهم است؛ زیرا در فاصله میان دیدن و خواندن، معنا هنوز تثبیت نشده است.

چشم پیش از آنکه ذهن واژه را رمزگشایی کند، فرم را دریافت می‌کند.

بنابراین، طراشعر به قلمرویی وارد می‌شود که می‌توان آن را ادراک پیش‌از‌زبانی نامید؛ لحظه‌ای که معنا هنوز در قالب گزاره زبانی تثبیت نشده، اما ادراک آغاز شده است.

در اینجا شعر برای نخستین بار نه با جمله، بلکه با رخداد رؤیت مواجه می‌شود.

تعلیق معنا؛ معنا پیش از آنکه معنا شود

در شعر خطی، خواننده معمولاً با حرکت از واحدی به واحد دیگر، به سمت معنای متن پیش می‌رود.

اما در طراشعر، معنا می‌تواند از یک نقطه ثابت و نهایی آغاز نشود.

مخاطب ممکن است چیزی را ببیند که نمی‌تواند فوراً بخواند.

می‌بیند، اما نمی‌فهمد.

می‌فهمد، اما هنوز نمی‌تواند آن را به واژه تبدیل کند.

و درست در همین شکاف است که تعلیق معنا رخ می‌دهد.

معنا برای لحظه‌ای میان تصویر و زبان معلق می‌ماند.

این تعلیق نقص اثر نیست؛ خود اثر است.

حرف به‌مثابه شیء

یکی از رادیکال‌ترین امکان‌های طراشعر، تغییر جایگاه هستی‌شناختی حرف است.

در نوشتار معمول، حرف عمدتاً برای عبور از خودش به سمت واژه و معنا عمل می‌کند.

ما «ب» را می‌بینیم تا کلمه‌ای را بخوانیم.

اما طراشعر می‌پرسد:

اگر «ب» را نه به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به واژه، بلکه به‌عنوان یک موجود دیداری مستقل ببینیم، چه چیزی رخ می‌دهد؟

در این لحظه، حرف از شفافیت خود خارج می‌شود.

دیگر صرفاً پنجره‌ای به سوی معنا نیست؛ خودش بخشی از منظره معناست.

اینجا زبان ماده پیدا می‌کند.

جناس سه‌وجهی؛ وقتی یک نشانه سه بار متولد می‌شود

در ساختار طراشعری، یک حرف یا واژه می‌تواند هم‌زمان در سه سطح عمل کند:

زبان، تصویر، معنا.

در سطح نخست، خوانده می‌شود.

در سطح دوم، دیده می‌شود.

در سطح سوم، تفسیر می‌شود.

این هم‌زمانی را می‌توان جناس سه‌وجهی نامید؛ وضعیتی که در آن یک عنصر واحد، سه مسیر دلالتی متفاوت را فعال می‌کند.

سبک طراشعر به نام امین افضل‌پور، تحت شماره ۱۱۰۱۵ - ۱۴۰۵، در دفتر حقوقی و مالکیت فکری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ثبت رسید

متن آگهی در روزنامه رسمی :

بر اساس درخواست‌نامه شماره ۵۰۰۲۵ - ۱۴۰۴ مورخ ۲۷ / ۱۱ / ۱۴۰۴ آقای امین افضل‌پور اثر ذیل به استناد بند ۱ ماده ۲ قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، تحت شماره ۱۱۰۱۵ - ۱۴۰۵ در تاریخ ۵ / ۵ / ۱۴۰۵ به ثبت رسید. نام و توصیف اثر: کتاب با عنوان #طراشعر.

دفتر حقوقی و مالکیت فکری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی